

ناردرعلی از عریات خود آنرا تریاق گفته است

هر عمی را فرجی هست از آن هیت رسم

پیش از آنم بکشد ره که تریاق آید

در از مه و اعصار حیالی قدیم چون باشمشیر و بیره رحم بر میداشتند

برای تسکین دردها تریاک بکار میبردند بهوریت درد را تسکین میداد

مردم آن زمان درد را سم و این مسکن را صدسم و تریاق آن می دانستند و

پزشکان قدیم هم بهمین نظر آنرا در معاجین سم تریاق فاروق و تریاق

حالینوس میساختند این گیاه در زمان نقر اطهم برای خواب و تسکین سرفه

گرر حشحات سم کوکمار مورد استعمال داشت یونانی ها این گیاه را

آبیون یعنی خواب سسگین آور میبامیدند در زمان پادشاهان قدیم برای

کیف و نشاط آنرا در شراب حل کرده و میخوردند چنانکه حواحه حافظ

شاعر شیرین سخن شیراز سروده است

از آن آبیون که ساقی در می افکند

حریهان را نه سر ماند و نه دستار

در زمان سلاطین معمول و پادشاهان صعوی بمر معمول و محدود در

شاه و رجال درباری بود شاه طهماسب اول تریاک را با داروها سم معجون

ریاد میخورد شاه اسمعیل دوم بمر ناین سم معتاد بود که دشمنان او مقداری

سم در معجون او داخل کرده و او را بیدیوسیله کشتند شاه عباس حداً با

این سم مبارزه کرد و کبیر مرتکبین را اعدام قرارداد و اجرا کرد در قدیم

کشیدن معمول بود و نتوده ملت سرایت بکرده بود و اما اثرات فرسوده

آن شریک حاکمان بر انداز که عناصر بر حسته و دانشمندان سم را اسیر

و در دام انداخته و میبندد از شرح زیر است

تریاك در وهله نخستین و استعمال مقدار کمی از آن در اعصاب و سلولهای معری اثر تحریکی ایجاد میکند و ارزش خون را سرعت بیشتری میدهد درجه حرارت بدن را کمی بالا میبرد اثر تحریکی این سم تحیلات شیرین رویا ماسدی که بحوانهای طلائی آنرا میتوان تعبیر نمود در دماغ مرتکب آن بوجود می آورد مثل اینکه در فضای روشن وارد شده خود را حوشیعت بلکه متکر تصور می کند اگر آواره حوان است در اثر تحریك بهتر میخواند بوارنده باشد خود تر میسوزد عصلات حمیره را تحریك می کند بقسمی که او میل دارد بخواند با حوشحالی و حیده با مردم بر خورد می کند ولی بعد از ساعاتی اثر تحریکی آن از میان میرود و عکس العمل شروع میشود بدن کمی سرد میشود سرسگین قلب گرفته حمیاره و دهن دره او را ناراحت می کند این فرد با دان و عاقل آن حالات فریسته را ساعت حوش دیدگانی داشته سراع آن حوره یا آن کس میرود که این سم را باو داده یکی دو حب می کشد بار آن حال دست میدهد بعد از چندی يك حب و دو حب در او اثر تحریکی و ایجاد مسرت نمی کند باچار است مقدار را زیاد کند رفته رفته افزایش مییابد تا بدرجه مسمومیت میرسد مرفین و هر دو همین اثرات را بمراتب شدیدتر دارند در این فرد مسموم قص و وسط عصلات مشکل و حرکت او حیالی کند میسوزد و پنی کار می رود گوشه گیری و او را را دوست میدارد اگر ساعتی این سم باو برسد چنان در شکم حمار می رود که ماسد سكرات مرك او را ریح میدهد همیشه قدر که لب بوافور زد مثل این است که روح در بدن از دمیده می گوید تریاك روح و قوه بمن میدهد این عقلت او را با سرحد مرگ میرد اعصاب یکایك مسموم میشوند سوء هضم یوست مزاج ورم کند ضعف اعصاب

(بورامستی ، کم حوی) (اسمی) طپش قلب بریدگی او بایک عارضه مراحی  
حاتمہ میدهد

واما موضوع کشت و اشاعه این سم در ایران بطور کشیدن و افور  
معمول بود بعضی گفته اند این سم را اعراب در صدر اسلام هنگام تهاجم به  
ایران همراه آوردند این گمان را بریدگی اعراب نادیه نشین که حر در اعراب  
و حشم داری چیری میداستند صدق نمی کند با قرائن و امارات و مطالبی  
که در اوراق بعدی بگارش خواهد یافت از همسایگان محاور و از هندوستان  
این سم در ایران آمده و اشاعت یافته است چون کشور هندوستان همسایه  
ایران است و یک قرن بیم پیش مردم ایران با کشورهای عربی آمد و رفتی  
چندان نداشته اند و بیشتر هندوستان رفت و آمد می کردند با امارات و  
قرائن و مدارکی که در اوراق بعدی مدراج میگردد کمپانی هند شرقی  
کشت حشعاش را بمقدار خیلی زیادی در هندوستان رسانید و تریاک  
را بعد و فور در آن کشور رواج داد و انگلیسها مردم هندوستان را تریاکی  
کردند از آنجا بایران سرایت نمود حسابکه چند سال پیش مسافرتی شهر  
کرمان کردم که بیش از سایر شهرهای ایران با این سم آلوده و مسموم شده  
بودند پیرمردی از مردم کرمان گفت هشتاد سال پیش چند نفر درویش  
هندی وارد ماهاں از توابع کرمان بودند نام زیارت قبر شاه نعمت الله  
ولی مدتی محاور آنجا شدند و مقداری بحکم حشعاش در آنجا  
کشند و تریاک گرفتند و می گفت ما تا چند سال بعد نمی داستیم  
تریاک چیست

اکنون شمه ای از کتاب هندوستان در چه حال است و نام احتیاق  
هندوستان گفته شده است راجع بکشت حشعاش و ترویج تریاک در  
هندوستان میویسم و بعدا اشاعه آنرا در ایران شرح میدهم ،

## فصل پنجاه و دوم

ویل دورانت فیلسوف و مورخ آمریکائی راجع به تریاک

چه میگوید

ویل دورانت (۱) فیلسوف و مورخ آمریکائی در کتاب خود می نویسد که من برای سسط و توسعه معلومات و ترئید اطلاعات خود راجع به کیفیات دماغی که تاریخ فکری و عقلانی آنها را درج و در کتاب خود مورد تحقیق قرار دهم به هندوستان عریضت کردم بهیچوجه منتظر نبودم که اوضاع اهالی این سرزمین عواطف مرا بحود جلب کند مسطور من فقط اطلاعات علمی و تمدنی قدیم بود و میخواستم بعضی از آثار قدیم و صنعتی این سرزمین را بچشم خود دیده باشم پس از آن دیبای معاصر را برای همیشه فراموش کنم و به تحقیقات علمی خود ادامه دهم و در قسمتی از کتاب دربار تریاک چنین شرح میدهد

حام انگلیسی (میس مایو) نویسنده ای که زبان هندی را مدنیت میکند که زبان هندی کودکان خود را در سن کودکی تریاک عادت میدهد و هور این کشور لایق خود محتاری نیست راست میگوید و

---

۱- نقل از کتاب «هندوستان در چه حال است» نگارش دورانت ناشر

صحیح است ولی عدم تذکر نکات دیگر معاً این گفتار را درست را بدروغ  
مدل میکند

او میگوید مادران هندی چرا کودکان خود را به تریاک عادت میدهند  
با اینکه خودش از حقایق مطلع است. میگوید این زبان مملوک سیه-  
رورگار باین حیة اطفال خود را باین سم عادت میدهد که آنها را در حوای  
کمد تا خود بماند برای معاش روزانه خود و انجام کارهای طاقت فرسا  
کارخانه ها برود. میگوید تریاک فقط و فقط بوسیله دولت و گماشتگان  
او کشت میشود و توسط دولت انگلیس فروش میرسد، میگوید با  
وجود اعتراضات شدید کنگره ملی هندوستان و محامدت کفر اس‌های  
اجتماعی و صنعتی و اقدامات (برهما سوپی) و (آریاسوپی) و سایر جمعیت‌های  
مسلمان و مسیحی فروش تریاک بپیمان بهیج اول مانده فروش مشروبات  
الکلی در سالن‌ها در حران است، میگوید امروز همتصد دکان  
تریاک و روشی در پر جمعیت‌ترین مراکز عبور و مرور از طرف دولت برپا  
شده. میگوید در سال ۱۹۲۱ کنگره هندوستان لایحه‌ای مبنی بر عدم  
کشت خشک‌هاش گذراند ولی دولت بهیچوجه راضی نشد مقررات آن را  
بموقع اجرا گذارد، میگوید دو بیست الی همتصد هزار حرس درمیں که  
باید در آن حیوانات و غله کشت شود دولت آنرا برای کشت خشک‌هاش  
احتصاص داده است، میگوید بک بهم کلیه عواید مسمیم و غیر مستقیم  
دولت از فروش تریاک وصول میشود

این حاکم میگوید در ایالت برمه قبل از اسیلای بریتانیا کشت و  
زرع تریاک ممنوع بود دولت انگلیس پس از تصرف برمه مردم آنجا  
مجبوراً تریاک میداد که بدان عادت نمایند و باین وسیله بازاری برای

فروش تریاک تهیه شود ، میگوید دولت انگلیس ده در صد صادرات  
 تریاک را تقلیل داد و بر مصرف داخلی افزوده است . میگوید کمیون  
 تحدید بظرف دولتی در رابرت خود سال ۱۹۲۵ اهمیت تصمیم فروش تریاک  
 را که یکی از مهمترین منابع عایدات است تأیید کرد و لزوم مصرف آن را  
 تأکید نمود و در عین حال سفارش کرد توسعه فرهنگی از آنچه هست بیشتر  
 لازم بیست ، میگوید هنگامیکه گاندی بایک بهصورت آرام و صلح جویانه  
 صد تریاک ارقام مصرف آن را به نصف آنچه بود تقلیل داد دولت اقدامات  
 او را با عیب و شدت متوقف ساخت و چهل و چهار نفر از هندستان او را  
 زندانی کرد ، نمی گوید اقدامات روح کشانه از طرف مردمی که خود را  
 پیرو دین مسیح میداند علت العلیل ضعف و انحطاط روحی يك ملت  
 شمار است

ویر میویسد اردوکارلی انگلیسی مجلس معونان انگلیس را  
 مخاطب قرار داد و گفت بطوری که در هندوستان مشاهده کرده ام این  
 اشخاص حاضر ستمکار آدم حساس و توانائی را که میدیدند و وجود او را  
 مخالف مباح خود تشخیص میدادند در صورتیکه میترسیدند آشکارا  
 و سایل قبل او را فراهم کنند با تردستی مخصوص او را مبتلای تریاک می-  
 کردند این موجود توانا پس از مدت کوتاهی در نتیجه ابتلاء به سم مهلك تریاک  
 مرایای روحی و اخلاقی خود را از دست میداد ، بیرونی فعالیت و سعی و  
 اقدام او سلب میشد ، قوای فکری و تدبیرش در انحطاط میرفت و طولی  
 نمی کشید که همان موجود زنده و توانای چند ماه پیش بیک مخلوق مملوک  
 و ناتوانی بدل میشد این تردستی فرسوده و مرموز که بمراتب از آدمکشی  
 بدتر و خطرش بیشتر است حقیقتاً در حور همان اشخاصی بود که آن

را بموقع احرا میگذاشتند این اقدامات وقیح را نمیتوان مقیاس شده  
ملت انگلیس دانست ما هیچوقت راضی نیستیم که يك جامعه و ملتی را  
باین طریق هتلائی ترناك كسیم و باعث فلاح و كری و ابعطاط اخلاقی يك  
ملت عظیم بشویم

در اینجا و بمدرجات کتاب ویل دورانت و لرد های  
انگلیسی پایان میدهیم - ویلیام (۱) نولیت سیر امریکا در کشور فرانسه  
میویسد انگلیسها با فرستادن قوای نظامی و کشتیهای جنگی ملت  
بررگ چین را تریاکی و معتاد کردند دولت انگلیس حریره هانك كيك  
را که دارای دو میلیون جمعیت است و حریره بسیار ریائی است در سال  
۱۸۳۹ برور اسلحه و قدرت نظامی تصرف کرد تریاکی که بوسیله کمپانی  
هند شرقی بدست انگلیسها مرسید بطور غیر مشروع بملک چین داده  
می شد در سال ۱۸۵۰ مقدار ۵۲ هزار صندوق ترناك بحریره هانك كيك  
فرستاده شد مردم چین بحمیل و در آن کشور ترویج شد - کلا دستون  
سیاستمدار نامی انگلیس چون بمقام بحست وزیرى رسید بدولت قبلی  
حود و ملت انگلیس حمله کرد و از این عمل اعتراض نمود گفت اینکار  
لكه سنگی است که بدامان دولت و ملت انگلیس شسته که هر گرپناك  
بحواهد شد

و میبوسید لیس سه امپراطور چین حواست از اینکار حلو گیری  
کند دولت انگلیس کاپیتن السوت را با کشتی جنگی مأمور نمود که بارور  
سر سره و حنك این سم کشنده را در گلوی ملت چین بربرد و آنرا تعمیم  
دهد حنك دوم تریاك در چین در سال ۱۸۵۶ تا دو سال دوام داشت

---

۱- نقل از مجله ماهانه اطلاعات ۳۰ مرداد ۱۳۳۰

عاقبت دولت چین شکست خورد و در سال ۱۸۵۸ در تین تسن و در سال ۱۸۶۰ در پکن قراردادهائی با دولتین انگلیس و چین منعقد گردید که تریاک آزاد باشد با این قرارداد استعمال تریاک بصورت قانونی در آمد علاوه قسمتی از شبه حریره کولون هم بتصرف دولت انگلیس در آمد

با این قرائن و امارات و استیلائی قدرت و نفوذ دولت انگلیس آیا این عمل را نمیتوان بعمل آورد دولت در ایران بست داد

در کتاب آفت ربذگی نگارش دکتر آدرخش از پزشکان دانشمند ایران مشروحاً از عملیات عمال کمپانی هند شرقی و کشت تریاک و فرستادن صندوقهای تریاک به چین و جنگهایی که برای تعمیم تریاک در کشور چین و چگونگی شیوع آن در ایران بوسیله بیگانگان نگاشته و منتشر ساخته است

از جمله وسایلی که تریاک در ایران آورده شد این است که در زمان فتح هندوستان از طرف نادر شاه افشار و مدنی که در دهلی اقامت داشت بطریق مرموز و سیاست شیطانی عدهای از سپاهیان ایران و برادران نادر را آلوده کردند و برادرانش از هندوستان که شاید بادستوری بایران آمده و ایرانیان را آلوده کردند گفتار فریر از انگلیسی در صفحه ۲۰۱ نگارش یافت آلودگی مردم حراسان را نوشته افکار روشن بحوبی آنرا درك خواهد کرد

در چهل سال پیش انگلیسها در ایران بهود کلی داشتند و متصدیان امور بدستور محرمانه آنها عمل میکردند مأمورین دولت تریاک برور نام از یاد عواید دولت در حراسان و غیره بمردم تحمیل میکردند



## فصل پنجاه و سوم

مطالب دولت انگلیس در هندوستان و مشاهدات ویل دورانت

اگرچه مطالب مندرج در این فصل از موضوع بحث ما خارج است لیکن از نظر ادله و امارات و عملیاتی که دولت انگلیس در هر یک از کشورها با شکل مختلف در واژگون ساختن اوضاع آن کشور و استثمار آن ملتها انجام داده در کشور ایران چنانکه ادوارد استریک انگلیسی دستور داده و در همین اوراق درج گردیده ملت ایران را معرفی کرده و اظهار عقیده نموده که باید با تمایلات روحی و احساسات آن رفتار شود و در حالت علمی را مخالف سیاست انگلیس دانسته مسلماً چنین دولت ستمگری که طرز رفتار و عملیات او را در هندوستان نوشته اند در ایران با استیلا و قدرت بودی که داشت همان اعمال را مستمها شکل مرموز و محفی انجام داده چنانکه آشکارا ملت ایران آنرا دیده و در آن نمیتوان تردید داشت اینک گفتار ویل دورانت، من نمیخواهم در این فصل از روی تأثر و حساسداری که سابقه و نظیر نداشته است سخن بگویم من خود را شایسته آن نمیدانم که راجع به هندوستان چیزی نویسم فقط دو مرتبه هندوستان را از شرق عرب و یکمرتبه هم از شمال بحسب گردش و سیاحت کرده ام و بیش از ۱۲ شهر آن را ندیده ام برای اطلاعات جامع و بیشتری بیش از یکصد جلد کتاب معتبر

در راجع هندوستان مطالعه کرده‌ام سال‌ها در پیشگاه تمدن  
 پنجاه ساله مملکتی که در فلسفه و ادبیات و صنعت و هر با علم و ادب -  
 الطبیعه سرآمد دیگران است عظمت مقام آن از حرا نه‌های آثار قدیمه و  
 از عمق کشاکش فعلی آن برای حصول آزادی هویدا و آشکار است من  
 جماعت بسیاری را دیده‌ام که در برابر چشم‌ها می‌دهند بر من ثابت  
 شده است که این قحط و علا بر خلاف آنچه بعضی‌ها مدعی هستند هیچ‌چو حه  
 نتیجه تکثیر نفوس با جهل و عصب نیست بلکه این اوضاع و تیره بختیها  
 معلول این است که دست‌ریح يك ملت بطور فحیعی که در تمام تاریخ بی‌طیر  
 است توسط ملت قاهر دیگر رعایت می‌رود من می‌خواهم نشان دهم که  
 چگونه ملت انگلیس چون مردم هندوستان را سال‌سال مکیده و آنها  
 را به پرتگاه مرگ و نابودی بردیك کرده‌اند

در صفحه ۱۴ همان کتاب می‌نویسد فلسفه و ادبیات عرب مولود فلسفه  
 و ادبیات هندوستان است و می‌نویسد در قرن شانزدهم زمان پادشاهی  
 اکبر شاه هندوستان در تمام مظاهر تمدن بدرجه عالی برقی و تعالی رسیده  
 بود، مردان عالی‌مقامی مانند بودا، زاما کر شا، گاندی که جهان‌اساسیت  
 را زینت داده‌اند بوجود آورد

در صفحه ۱۲۸ می‌نویسد در موقع اجتماع مردم برای بهاصای آزادی ژیرال  
 دایر انگلیسی فرمانداد اجتماع بیش از سه هزاره جمع است جمعیت مردم  
 بی‌اطلاع هند در باع (چینا بوالد) برای انجام مراسم عید مذهبی خود گرد  
 آمده روستائیان بی‌سواد بودند که از این امر به حسرت داشتند ژیرال دایر  
 امر دادمه را با شلیك توپ بستند و همه را کشتند ژیرال دایر با حوش‌حالی  
 و حسرت گفت کشاور خوبی کردم

در صفحه ۱۳۰ می‌نویسد مجلس اعیان انگلیس پس از آن همه و جمیع  
 که حرمی از شقاوت ژنرال دایر نوشته شد با در سپاه ستادند و آنجا ژنرال دایر  
 را مقصر خو بریر بها گرازش دادند معینا مجلس اعیان او را ترغیب نمودند تا یک  
 مقرری کافی او را متقاعد کرد - میلیتاریستیهای انگلیس این را در ادای  
 خدمت او کافی ندانسته ۱۵ هزار دلار بایک شمشیر خواهر نشان با و حایره  
 دادند در صفحه ۱۴۰ می‌نویسد در سال ۱۹۳۰ کنگره ملی در شهر لاهور تشکیل  
 شد و قرار بود دولت انگلیس بر حسب وعده استقلال هندوستان را عملی سازد  
 نقص عهد کرد گاندی عدم اطاعت کشوری را اعلام نمود مالیات کم را شکن  
 نمک را لغو کرد او را با دوپسرش گرفتند و درسی ام‌مدرس به روی جوان رئیس  
 کنگره ملی را ببردستگیر کردند و در ۲۳ مه در شهر پیشاور عده کثیری برای  
 اعتراض علیه توقیف گاندی و رئیس کنگره اردحام کردند در این حادثه جمعیت  
 مربوط حوون نشان داد که درس عدم اعمال شدت و بهت آرام را چقدر در  
 حوون از معلم خود گاندی فرا گرفته بودند آنها را ساد گلوله می‌گرفتند  
 صف اول چون تیر خورده و می‌افتادند صف دوم جلو آمده سینه را بر همه  
 می‌کردند و خود را هدف گلوله قرار میدادند و می‌گفتند ما هم آزادی  
 می‌خواهیم ۲۳ گلوله به بدن یک نفر حوون خورده بود حوونانی با عزم راسخ  
 صف کشتیده بودند بدون اینکه در صدد دفاع برآیند خویش را هدف  
 تیرهای حاسور می‌کردند تا یک پسر حوون از قبیله سیخ سینه خود را با  
 کمال رشادت جلوسر باری گرفت و گفت منم آزادی می‌خواهم و در حوون است  
 کرد گلوله‌ای هم در قلبش جا دهد سر با رو طیفه شاس هم بدون ارتعاش و  
 تردید حوون او را انعام داد و او را شهید کرد زنی پیر و ناتوان دند تمام  
 کسایش کشته شده‌اند جلو آمد و سینه خود را سپر تیر قرار داد و کشته شد

مردی پیر و شکسته دو کودک هفت ساله و یکی چهار ساله بر دوش داشت  
حلو سر بازی آمد که سهم آزادی می خواهم این سر بار هم ما سدهم کاراش  
تیری در قلب پیر مرد حای داد که با دو کودک نقش بر زمین کردید آبرور  
قریب صد نفر از این مردم بیگناه کشته شدند

در صفحه ۷۳ و ۷۴ دوران می نویسد - می گوید انگلستان وحدت  
و اتفاق هندوستان داده است بر عکس انگلستان بواسطه طرف داری باطنی  
و غیر مستقیم در احیای طبقاتی و باستعانت هفتصد شاهزاده در هفتصد  
ایالت مستقل که همه دست شایده دولت انگلیس و بالنتیجه مأمور حفظ  
منافع انگلیس بودند و بر تائید مقاصد خود را بدستیاری آنها انجام میداد  
و احرا می کرد از اتفاق و اتحاد در هندوستان حلو گیری کرد

در صفحه ۱۷۴ می نویسد - می گوید دولت انگلیس قانون انتظام  
وامیت هندوستان داد مقصود از این ادعا چیست باید مطلب را دانست  
بریتانیا ایالات هندوستان را بواسطه قتل و عارت و آدمکشی که در قاموس  
نظام نفع و عله تعبیر میشود یکی بعد از دیگری را متصرف شده و با  
صد و پانزده فقره حنك و حور بری اساس امیت هندوستان را مترارل  
ساحت و هر يك از افراد هندی که عملیات جارانه و ستمکارانه آنها اعتراض  
میکرد در زندان میروفت یا اعدام می شد قشون هندوستان را محصور  
می کرد که برای هر حنك بمطور آنها ودا کاری نماید مگر برای آزادی و  
آزادی وطن خود

میو سدا انگلس هندوستان را بیک بیابان لم برورع و غیر مسکونی  
مدل ساحت میگوید امیت در آن کشور حکمها است هیچ امریکائی  
بصیری پیدا نمیکم که بی انتظامی و هر ح و هر ح را بر این امیت تر حیح بدهد

در صفحه ۱۲۵ میویسد بایب سرهدك (ژان كوك) قلد ار آنكه  
هدوستان را از كمپانی مترع نماید دستور ذیل را داد

مجاهدات ما باید كاملاً تقویت شود و توسعه یابد این بیگانهگی و  
بفاق که ما پس بزاده‌ها و پیروان ادیان مختلف وجود دارد بهیچوجه نباید  
در صدد متحد ساختن آنها بر آمد و پیوستن و ارتباط نایکدیگر را بخواهیم  
بر و گرام دولت در هدوستان باید بر اساس تحریره کردن و حکومت کردن  
استوار باشد برای ایسکه رعایا و توده ملت معلوم و مقهور نماید و با سهولت  
حکومت کنید تحم بفاق و تمرد را در آنها بشاید و حکومت کنید کسان  
و بل دورات که سام احتساق هدوستان گفته شده تماماً از حیایات و فحایع  
اعمال دولت انگلیس میویسد که از نظر استدلال و تعیین قرائن و امارات  
این مختصر از مطالب آن کتاب در اینجا نقل گردید

آنا دولتی را که رویه و سیاست بیرحمانه او در هدوستان با این  
فحایع و در کشورهای دیگر و تصرف آنها مستعمرات و اعمال قدرت و نفودی  
که در مدت بکفرن حتی در عرل و درای ایران و متصدیان امور داشت نمیتوان  
آن دولت را برگترین عامل بدبختی ملت ایران و ملت‌های شرق اسلامی  
دانست و ما آنچه در آشکار انجام دادند نمی توان دست پنهانی آنها را  
در تحریره ایران نشان داد و قرائن و امارات را شرح داد و فلسوف امریکائی  
هم بگردیم بگفتار حان دیون پورت انگلیسی میپرداریم که این گفتار و  
مطالب را بشیت و تأیید می کند

## فصل پنجاه و چهارم

### جان دیون پورت انگلیسی چه میگوید

جان دیون پورت انگلیسی که خود یکی از نویسندگان انگلستان است و کتابی نام عذر تقصیر به پستگاه محمد و قرآن نوشته در دو موضوع قلم فرسایی نموده است یکی راجع بعظمت و عمران کشور هندوستان که قبل ارتضوی دولت انگلیس بچه پایه ای از نعمت و حسن امور سیاسی بوده و دولت انگلیس در آن اوقات درجه عالی بوده دوم اینکه شهرت داده و میدهد انگلستان از هفتصد سال پیش کشور دموکراسی بوده مدرحات کتاب جان دیون پورت برحلاف این ادعا است اینک شرح شمه‌ای از مطالب آن کتاب می‌ویسم که تا درجه ای گفتار فیلسوف امریکائی ویل دورانت را تأیید میکند زیرا معنی دموکراسی این نیست که دولتی کشور و ملت خود را معمور و بی‌بیار کند و ملتها را با انواع طرق و وسائل حلاف و حداث و عروت فدای شهوات حرص و طمع خود سازد دموکراسی که نوام با افحارات ملی و عدالت اجتماعی باشد مایه مساهات هیچ دولت و ملتی نخواهد بود - اینک مطالب و مدرحات کتاب جان دیون پورت را که اول در مطالب و تحاورات دولت انگلیس و قسمت دوم در شرح اوصاف هندوستان است چون بسیار مشروح و

معصل است احمالی از آن را شرح میدهم

قرن هفدهم (۱) سال ۱۶۲۹ میلادی اقتدار حکومت استارحمیس  
بصورت قانون تحمیل شد چهار نمونه دلیل برای روش ساختن حریانات  
طالمانه دستگاہی که در حلاف حقیقت عدلیه بامیده شده بود کافی  
خواهد بود

۱ - کامل (پی نون) متهم شده بود که رساله‌ها ای بمطورشورش  
و انقلاب نوشته است حکم کرده بودند اس شخص مورد بازپرسی واقع  
شود و سوگند بخورد او از سوگند خوردن امتناع کرد چون امتناع او  
برای دربار انگلستان تحقیر و توهین تلقی می شد امر شد او را شلاق  
زدن شروع کرد از مطالم و ستم حمیس بادشاه انگلیس حرف زد با امر  
شاه او را حقه کردند

۲ - پریم که يك مهر و کیل دعاوی بود کتابی تألیف کرده بود که  
مخالف مباح حرب سلطنتی بود و باین حرم محکوم شد و مقرر گردید  
در دست مستر (چیپ) ساید نداد و بجهه شود قبل از دار زد هر دو  
گوش وی بریده شده يك گوش او در دست میستر گوش و دیگر او در حیپ  
ساید و پنجه از لیره حریمه از او گرفته شد

۳ - (ولیا مری سوپ) دانشمند (لیکلن) که مواعظ او مستتبع کینه و  
حسد (آرک بی شوپ) (کشیش بر رگن) شده بود او را هشت هزار لیره  
حریمه کردند مطلب بانجا حتم شد موقعیکه حابه او را مورد بازپرسی  
و کتابهای او را ضبط کردند نامه ای از او کشف شد نام ارساں و  
دمیتسون باز به پنجه از لیره حریمه شد و گوشهایش به تیری که جلو  
مدرسه اش بود میخ کوب کردند ۴ سال ۱۶۴۱ - در ایرلند شورش شد

۱ - نقل از کتاب جان دیون بورت ترجمه دانشمند سید علاء رضا سعیدی ص ۱۱۵

چهل هزار پروستانی را در آنجا کشتند سال ۱۶۴۹ چارلس راجان و  
 ظلم اورانی حداثتند زیرا باعث قتل نفوس شده بود و مخالف حکومت  
 کرامول بود در دوازدهم ژانویه محکوم گردید و در ۳۰ ژانویه در (هویت هال)  
 سر بریده شد و حکومت کرامول اعلان گردید سال ۱۶۵۶ - کرامول در  
 تاریخ ۲۶ ژانویه بعنوان لورد پروتکتور حشش گرفت شد عمل و طرز  
 حکومت او بطوری بود که اشخاص بدون مجازت در محاکم قانونی  
 اعدام می شدند اسرای زیادی در جنگ با پناه بهر از محرمین در  
 حالیکه از حکومت او راضی نبودند دستگیر کرد و به باربادور تبعید  
 کرد و در آنجا بعنوان علام فرخته شدند و میبویسد با عطف توجه بادوار  
 احیر که مالک هندوستان شدیم باید دید رفتارها در این کشور از چه قرار  
 بوده است درباره سایح حاصله از انفصال میر قاسم از حکومت سگال که  
 بدست ما صورت گرفت کلیو میبویسد من فقط میتوانم بگویم که حیان  
 منظره ای از هرح و مرج و فساد و بهت و عارت در هیچ ممالکتی غیر از  
 سگال دیده یا شنیده نشده بود سه ایالت سگال و بهار دار یسا که در سال  
 مبلغ سه میلیون لیره مالیات آن بود پس از بازگشت میر جعفر بعنوان  
 صوبه داری تحت حکومت مطلقه مأمورین کمپانی قرار گرفت و این عده  
 اعم از لشکری و کشوری از هر فردی که بوانائی داشت از بواب گرفته تا  
 بارترین کشاورزان مالیات و عوارض می گرفتند تجارت اردست بازرگانان  
 آزاد مترع گردید و کار تجارت و معاملات بدست اشخاصی افتاد که  
 گماشتگان مأمورین کمپانی بودند و تمام این مأمورین کارهایی را مرتکب  
 شدند که مردم انگلیس را بدنام کردند تا جائیکه نام انگلیسی تقدیری  
 بهرت آور و متعین گردیده بود که عهوت آن شامه حتی با مسلمان را



ادیت میگرد در صفحه ۱۱۸ میبویسد (مستر هستکس) وقتیکه همور خودش در هندوستان دارای قدرت فائقه و اختیار فرمانروائی بود و ادعای راکه خودش با حدی موجب و مستب آن بوده است تشریح میکند و میگوید

متأسفم که روح تعدی و سوء استعماده ما و حسارت و اهانتی که با عیب و حیر اعمال شده است موجب آن گردیده است که متفقین ما همانطور که مرعوب قوای انتظامی هستند از سایر منابع قدرت هندوستان بیرنگران باشند جان دیون پورت چند صفحه از مطالب دولت انگلیس را در هندوستان با اسناد و مدارک شرح میدهد که محضری را متذکر شدم در باره وفور نعمت و بطامات هندوستان میبویسد - در زمان سلطنت شاهجهان نواده اکبر شاه در حشده ترس دوره تاریخ هندوستان بود در محیط حکمرانی او آرامش مستمر و انبساطات و انبساط برقرار بود - سر توماس از وفور بروتی که در سال ۱۶۱۵ در اردو گاه او دیده بود حیرت کرده است و میگوید در این اردو گاه اقلاً معادل دو حریب زمین مستور از پارچه های ابریشمین و قاللهای زرینت و محملهای زردوری شده و خود داشت که روی آنها قطعات حواهر نکار برده شده بود همان کسی که تحت طاوس برای او ساخته شده بود در حش تاحکمداری همور خودش پول و حواهرات میان مردم بخش میکرد در میان رعایای خودش مانند بک بادشاه زندگی نمیکرد بلکه پندری که میان جانواده اس زندگی میکند بیشتر شاهی داشت

شاهجهان لایس طبع در کارهای دولتی مراقبت میکرد و هیچ پادشاهی از لحاظ حسن اداره امور دولتی در هندوستان پایه او نمیرسیدند در دوره

سلطنت همین پادشاه با عظمت بود که کابال-هلی تحت بطارت علیمردان  
حاج مهندس اوساخته شد این مسع عظیم آب یاری پس از اینکه در طول چند  
صد میل وسیله دفع حوائج کشاورزان شده بود مورد استفاده ارباب دوق  
و سلیقه مقیم در شهر پایتخت سر واقع گردیده بود از ستر این رودخانه  
هر از حوی بهر طرف کشیده شده بود به تمام اطراف و حواصب شهر دهلی  
آب سراریر می شد و باشکال مختلف برای تفریح مردم آب ارفواره ها  
حستن میکرد حوض رازها و حتی خانه دهقانان و کارگران آب میرفت در  
صفحه ۱۰۷ میویسد پادشاهان مسلمان در مقابل آنچه گرفتند ارزش  
کامل آنرا دادند آنها يك دستگاہ کامل قضائی را اداره میکردند که  
عالی ودایی از آن برخوردار بود و در دوران حکومت آنها هر نارنگانی  
میتوانست کالای خود را هر طور میخواست در طول چند صد میل راه  
صحیح و سالم حمل کند و بالاخره در این طرز حکومت هر نوع نقصیه ای  
پیدا شود يك نکه مسلم است و آن اس است که اسوه مردم در آن  
روزگار در کمال وفور نعمت و امیت ریست میکردند در حقیقت بدون  
ترس و هراس از تکذیب دیگران باید گفت که هر يك از این سلاطین  
(وحشی) برای کارهای عام المفعه همانقدر حرج میکردند که این روزها  
برای تسلیحات لشکری حرج میکند

اگر عملیات شرافتمدانه این سلاطین و امرای شرقی را با پیشرفت  
هائی که مقارن همان اوقات در کشور ما (انگلسان) یا در هر يك از ممالک  
اروپا صورت میگرفت مقایسه کنیم مطالبی بدست ما خواهد آمد در  
هر حال باید از این عمل شدت وحشت کرد زیرا تصویر اوصاع اروپا در  
آرمان تاب معاومت و مقایسه با مشرق زمین را ندارد

بطوریکه میدانیم در آن عصری که بدان اشاره شد بهیچوجه در  
 مملکت انگلستان حتی يك كانال وجود نداشت و راههای ما باستانی  
 معدودی عبارت بود از حاده های باریکی که فقط قابل عبور چهارپایان  
 بود و بزرگترین شهرهای ما مسع آبی نداشت و از دستگاه پلیسی که  
 در کوچکترین قصبات دهلی وجود داشت در این شهرهای ما اثری موجود  
 نبود و از آن امیتی که حقیرترین رعایای شاه جهان که از سرحد پشاور  
 تا دهلی یا از دهلی به الله آباد مسافرت میکرد و بهره مند بود يك بهره  
 انگلیسی از لندن به (هایکیت) (۱) مسافرت میکرد بهره ای نداشت و  
 مطمئن بود که مانند يك بهره دمی با آرامش و آسایش به قصد برسد  
 مستر پل ول در باره مردم سگاله که تحت حکومت محلی میریستند  
 ما اطلاع میدهد که اگر از زبان شخصیکه خودش سالها مقیم آنجا بوده  
 است و از اوصاف و احوال آنجا آشنائی داشته صادر نمی شد میگفتم  
 افسانه است

در حقیقت مراحمت ای مردم سعادت مند ظلم است زیرا تنها آثار و  
 علامت ریائی - صفا و تقوی و نظم و عدالت و منابت حکومت هندوستان  
 در این شهرستان در وجود همین ها محسوس است در اینجا آزادی و داری  
 مردم مصون و محفوظ است مسافر چه با کالا و چه بی کالا باشد مورد  
 محافظت و مراقبت دولت است دولت برای مراقبت مسافری و محافظت  
 آنها قراولانی میگذارد که بدون گرفتن پول از مرلی بمرل دیگر برسانند  
 و چون بمرل رسانیدند رسید میگیرند مسافر باین شکل در داخله آن  
 کشور عبور داده میشود اگر احیاناً کیسه پول یا کالائی گم شود و کسی

۱ - هایکیت یکی از دهات نزدیک لندن بوده است که حالا در شهر شده

به نیمی به نزدیکترین پاسگاه اطلاع میدهد

حاج دیون پسوردت در چندین صفحه از مطالبم دولت انگلیس و  
انتظامات در کشور هندوستان شرح میدهد که چگونه این مردم ثروت مند  
مورد بهب و عارت انگلیسها واقع گردیده اند این است نمونه ای از مطالبم  
دولت انگلیس در هندوستان و در سایر مستعمرات بر این سمت و روش طالبانه  
حاجی بوده عرب بر شرق تجاوزات بر حمانه خود را ادامه داده

## فصل پنجاه و پنجم

متجاوز از نیم قرن پیش که خود در حورستان و حرم شهر مدتها برد شیخ  
بحرعل سنوان پر شک و معالج و شاهد اوصاع بوده ام در این فصل مطالب و  
شهودات خود را که حسب تاریخ هم دارد می نویسم تا دانسته شود که در آن  
اوقات چگونه نیشه بحریه حورستان و ممالع سرشار بستی از ایران و نقشه  
تحریر عراق عرب از دولت عثمانی کشیده شد



در سال ۱۳۲۷ هجری از طرف دولت انگلیس بوسیله میجر کاکس  
که در آن اوقات حمرال قوسول بوشهر بود نشانی بام ستاره همد برای

شیخ حرعل آمد با تحلیل و احترامی که شیخ نقوسول انگلیس گذاشت  
 و در حالتی که انگلیسها در امور داخلی خودستان ماسد آوردن چهارات  
 حسگی و غیره مردم خودستان صحت بگراان و تهیح شدید و بویژه ایسکه  
 انقلاب مشروطیت و اوضاع مرکر را بیر آشفته میدیدید آوردن این نشان  
 را مقدمه تحریره خودستان و صمیمه شدن بپندوستان دانستند روحانیون  
 و روشمکری در حرمشهر بودند و مأمورین گمرک و غیره هم ساکت نتشستند  
 مأمور عالیقدر ایران خواهی بلقب اعتلاء الدوله کارگذار و نماینده دولت  
 ایران بود که اسم کوچک او را فراموش کرده ام کارگذار حرمشهر و از  
 طرف دولت ناظر امور سرحدی بود آمدن این نشان بعلاوه نقشه تحریره  
 خودستان تحریره عراق عرب از دولت عثمانی هم جزء نقشه بود که شیخ  
 در آن شرکت نماید

چون شیخ حرعل در بصره املاک زیاد داشت و با تمول سرشار خود  
 مسعدین عراق را بخود جلب کرده بود انگلیسها شیخ حرعل وعده داده  
 بودند که پس از تحریره عراق تشکیل یک سلطنت عربی بدهند خودستان  
 را که مسیحیت مسحد سلیمان است و در نقاط دیگر ماسد آقا حاری و  
 گچ ساران که احتمال بعط میدادند باشوشر و در فول بهسها و عراق را صمیمه  
 سلطنت شیخ حرعل نمایند در آن اوقات عمال دولت انگیس و سرورس  
 اسلحیت به تنها اوضاع کشور ایران تنها بلکه در کشور عثمانی و همه  
 حاورمیانہ طبق سنت در بصره عراق بیداد و حکومت کن دولت عثمانی  
 را دچار احتلالات داخلی نموده بویژه آنکه آن دولت را بادولت ایتالیا  
 بر سر طرابلس عرب باهم بحدک انداخته بودند و زمینہ را بحوی در دست  
 داشتند

در حرمشهر که در آنوقت محمره گفته می شد اجتماعاتی شد علماء روحانی و روشنفکران در اطراف اعتلاءالدوله کارگذار گرد آمده در صدد رفع و دفع نفوذ احباب بر آمدند مهم که در عنعوان شبان بودم و شور ایران خواهی در سر داشتیم خود را اردستگاه شیخ بیرون آورده بحوانان و مردم ایرانبخواه پیوستم نقشه مردم حرمشهر این بود که شیخ حطیل برادرزاده شیخ حرعل زمام امور را بدست گیرد که حوان بسیار شایسته و ایرانبخواهی بود و محرم ماه با او تماس داشتند

روزی ندیدم کارگذار رفتم چون مرا محرم میدادست در ددل کرد واشك از چشمان او جاری گردید علت را حونا شدم گفتم قبل از آمدن کاکس و آوردن نشان ستاره هد شیخ حرعل بمن تلخ کرد که فردا با ما هم استقمال کاکس و نشان دولت انگلیس برویم حوان دادم اگر شما با لباس رسمی میآئید من هم با لباس رسمی بیایم شیخ گفت من با لباس رسمی حواهم بود من هم فردای آنروز با لباس رسمی رفتم و دیدم شیخ حرعل با لباس معمول عربی آمده و به شاهپسای عدیده که از دولت متبوعه خود داشته اعتسائی نکرده فوق العاده کسل شدم بعد از اینکه کاکس وارد چهار شیخ شد که چند فرسخ از او استقمال شده بود بعد از مختصر اسراحت شیخ حرعل گفت من با شما صحبت محرم ماه ای دارم و دست همدیگر را گرفته باطابق حلوت رفتند در صورتیکه قابو با باید با حضور من صحبت کند که بمایبده دولت ایران هستم این موضوع مرا سحت در فشار روحی قرار داد بوسیله زمر زمر کر گذارش دادم اصلا مورد توجه واقع نشد حوان هم بدادند و اما موضوع تحریریه عراق چنانکه گفتیم دولت عثمانی ادیکطری گرفتار اوصاع داخلی بود که در سلاتیک انجمن برق تشکیل شده بود و

طبق نقشه طلعت پاشا کار را بر سلطان عبدالحمید سحت گرفته بودند و همه  
 حادم از حریت و مساوات رده می شد از طرفی ایتالیاییها مدعی ملکیت  
 طرابلس عرب بوده حنك با عثمانی شروع شد در ایتموقع فرصت سیاسی  
 بدست حرعل و انگلیسها افتاد در عشار بصره سیدطالب نقیب از رجال  
 بسیار متعدد عراق عرب بود که ناشیخ حرعل نهایت صمیمیت و یگانگی  
 را داشت و اغلب شیخ بحابه او میرفت و خود بیر یکی دو نوبت ناشیخ بحابه  
 او رفتن قرار شد با پول شیخ حرعل ولیره های باد آورده او در بصره انجمنی  
 بنام اتحادیه عراق تشکیل دهد این انجمن با عطایای ر باد شیخ مر کب  
 از سید نصر محترمین عراق بریاست سیدطالب نقیب تشکیل یافت طاهرأ  
 برای حمایت دولت عثمانی در حنك با ایتالیا و باطناً برای تحریر عراق عرب  
 از دولت عثمانی همیشه قدر که انجمن قدرت یافت شرحی سلیمان بطیف  
 والی بعداد و شرحی هم نوالی بصره نوشت مسی بر ایسکه اوراق دولتی که  
 از با عالی بان ناحیه میرسد همه زبان ترکی است و اعراب ترکی نمیدانند  
 و از این حبه مورد احواف و تعدی واقع می شوند استدعا داریم اوراق  
 لارمه را برای مردم عراق در بان عربی ارسال دارید سلیمان بطیف پاسخ  
 داد موضوع را به با عالی (اسلامبول) نوشته ام تا چه جواب برسد والی بصره  
 بیر همین جواب را داد

چندی بعد با انجمن شرحی بهر دو والی نوشت مسی بر ایسکه چون  
 مأمورین ترك که عراق میآیند با اثراد عرب اختلاف کلی دارند و از این  
 لحاظ مورد تعدی و تحمیر واقع میشوند استدعا داریم مأمورین لارمه را برای  
 عراق از خود مردم عرب انتحاف نمایند تا روع این اختلافات نژادی بشود  
 در تعقیب این نامه سیدطالب نقیب بدین والی رفت و جواب خواست کماندان



و رئیس قشون نصره در خدمت والی بود سیدطالب بالبهعه رسیده ای با والی  
 نصره صحبت کرد که ما بدان که حوآن سپاهی و سر بار معروفی بود با سیدطالب  
 پرحاش کرد و گفت سید یکساره بگو عراق عرب باید از کشور عثمانی  
 محرا شود و گفت تمام این فسادها ریز سر تو بکنه راست و بد گوئی کرد سید  
 با حوسردی از برد والی رفت سه روز بعد که ما بدان ناچند بهر در بلم شسته  
 از بهر عشار بداخل نصره میرفت که باوشلیک شد و همه آنها کشته شدند  
 علام سپاهی که خود را در بهر انداخت و مسافتی را زیر آب طی کرد و سالم  
 بیرون آمد در موقع بارپرسی برد والی نصره اقرار کرد که خودم دیدم سید  
 طالب نقیب فرماداد ارباب مرا کشتند چون دولت عثمانی در آن اوقات  
 دچار احتلال و آشفتگی اوضاع داخلی خود بود عکس العملی از خود نشان  
 داد با نقشه انگلیسها و لیره های شیخ حرعل اتحادیه عراق توسعه یافت  
 سیدطالب نقیب تعریبه گردان ابن معر که بود اعیان و اشراف حتی بعضی  
 از روحانیون را برد شیخ حرعل میفرستاد و ارباب حوآن نعمت استعاده  
 میکردند با این صحنه سازی دولت انگلیس سهولت نصره را تصرف کرد  
 و مردم عراق دفاعی نکردند از طرف دولت عثمانی سپاهی فرماددهی  
 سلیمان عسکری برای پس گرفتن نصره اعزام گردید با شادت و تهور سپاه  
 دشمن را شکست دادند و انگلیسها را بیرون کردند در این موقع دستگاه  
 سیاست عدد و فریب بکار افتاد

محمدعلی پاشا معاون فرمادده سپاه را که مردی حیانت پیشه و نا  
 بیگانگان محرمانه بد دست داشت طبق نقشه سپاه انگلیس بوقت دوم  
 برای تصرف نصره حرکت کرد و محمدعلی در موقعیکه سپاه عثمانی در حال  
 استراحت و بی حرارتها هم نابوی انگلیسها بود و محمدعلی صدای شکست